



### یادداشت

## اما و اگرها در مورد تولید انسولین قلمی در کشور

مراد رضایی



در دهم شهریورماه سال جاری، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبر داد که «کارخانه تولید انسولین قلمی در کشور افتتاح شد.» این گزارش می‌گوید که «شرکت دانمارکی نوونوردیسک»، به عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انسولین در جهان، با سرمایه‌ای بالغ بر ۷۰ میلیون دلار، کارخانه‌ای در شهرک دارویی برکت افتتاح کرده است که در فاز نخست می‌تواند ۳۰ درصد از انسولین مورد نیاز کشور را تامین کند. تولید چهار نوع انسولین قلمی در این کارخانه از دهم شهریور آغاز شده است.

البته معلوم نیست که اگر طبق ادعای دولت، ایران در حوزه دارو نیز تحریم شده است، یک شرکت چندملیتی که پیش از ایران در آمریکا، فرانسه، برزیل، چین، روسیه، ژاپن و البته دانمارک کارخانه‌های تولید انسولین تاسیس کرده است، چگونه ۷۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند؟!

کارخانه‌ی مذکور در شهرک دارویی برکت تاسیس شده است. شهرکی که مدیر عامل آن در حال حاضر «سرتیپ پاسدار نصرالله فتحیان» و مالک آن گروه دارویی برکت است. موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم مالک ۹۰ درصد گروه دارویی برکت، «ستاد اجرایی فرمان امام» است. یک نهاد حاکمیتی معاف از مالیات که در سال‌های اخیر ردپایش را می‌توان در فعالیت‌های مختلف و متنوع اقتصادی دید.

اختلاف میان نهادهای معاف از مالیات خصوصاً نظیر آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد مستضعفان و سرمایه‌داری خصوصی در ایران، همواره از موضوعات جاری در مباحث اقتصاد کلان بوده است. اتاق بازرگانی به عنوان نماینده‌ی سرمایه‌ی خصوصی و نهادها به عنوان نمایندگان سرمایه‌ی خصوصاً، همواره در بازارهای مختلف مقابل همدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. این اختلافات در حدی است که در آغاز سال جاری، عباس آرگون، عضو کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران با اشاره به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت به دلیل وضعیت بحرانی بنگاه‌های اقتصادی، مدعی شده بود «پرداخت مالیات از سوی نهادهایی مثل آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد مستضعفان بهترین راهکار برای جبران کسری درآمدهای دولت برای



کمک به کسب و کارهای کوچکی است که در بحران کرونا متضرر شده‌اند.» قبل از این اتاق بازرگانی تهران اعلام کرده بود که این کسب و کارها ۴۰ درصد از حجم اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند.

با توجه به تصدی‌گری ستاد اجرایی فرمان امام در زمینه‌ی تامین انسولین، محدود کردن عرضه‌ی انسولین توسط بخش خصوصی می‌تواند ابزاری برای بروز اختلافات این دو ساختار اقتصادی باشد.

### صادرات دارو یا قاچاق

هنوز مدت زیادی از انتشار خبر کشف ۱۹ کامیون داروی قاچاق در عراق نگذشته است. پلیس عراق چندی پیش گزارش داد محموله‌ی ۱۹ کامیون دارو که از ایران به عراق قاچاق شده بود، کشف و ضبط شده است. اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این ۱۹ کامیون، تنها برف‌هایی از کوه یخ قاچاق دارو بوده‌اند.

محمود نجفی عرب، رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران، دو روز قبل و در مورد مشکل کمبود انسولین در کشور گفت: «بیش از ۱,۵ برابر نیاز، انسولین وارد کشور شده است. پس نباید هیچ کمبودی وجود داشته باشد. اما انسولین وارد شده، مجدداً صادر می‌شود. یا به عبارتی از راه‌های غیرقانونی از کشور خارج می‌شود. قاچاق معکوس فقط مخصوص انسولین نیست. برای همه داروهای گران با مشکل قاچاق معکوس مواجهیم.»

همچنین محمدرضا شانه‌ساز، رئیس سازمان غذا و دارو، در مصاحبه‌ای که به تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۹ در خبرگزاری مهر منتشر شده است می‌گوید: «بالاترین ارزش افزوده در حوزه صادرات کشور مربوط به کالاهای سلامت محور به ویژه تولیدات شرکت‌های دانش بنیان است و در بحران فعلی که اداره امور کشور متکی به ارز صادرات غیرنفتی است، باید توجه بیشتری به صادرات و شرکت‌های دانش بنیان داشته باشیم.»

صادرات، اسم رمز قاچاق داروست. ایران حتی در تولید مواد اولیه‌ی متداول‌ترین داروهای موجود، همچون استامینوفن نیز خودکفا نیست و مواد اولیه‌ی این داروها با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شوند. در نتیجه صادرات در بخش سلامت، معادله‌ای دو سر ضرر برای مردم است: هم ارز ۴۲۰۰ تومانی از جیب مردم پرداخت می‌شود و هم کشور با کمبود دارو مواجه می‌گردد.

میرابوطالب بدری، مدیرکل دفتر توسعه صادرات محصولات صنعتی و معدنی سازمان توسعه تجارت ایران می‌گوید در سال ۱۳۹۸ به میزان ۱۵۲ میلیون دلار دارو از کشور صادر شده است که نسبت به سال ۱۳۹۷، حدود ۷۰ درصد افزایش داشته است.

### تامین انسولین وظیفه‌ی دولت است

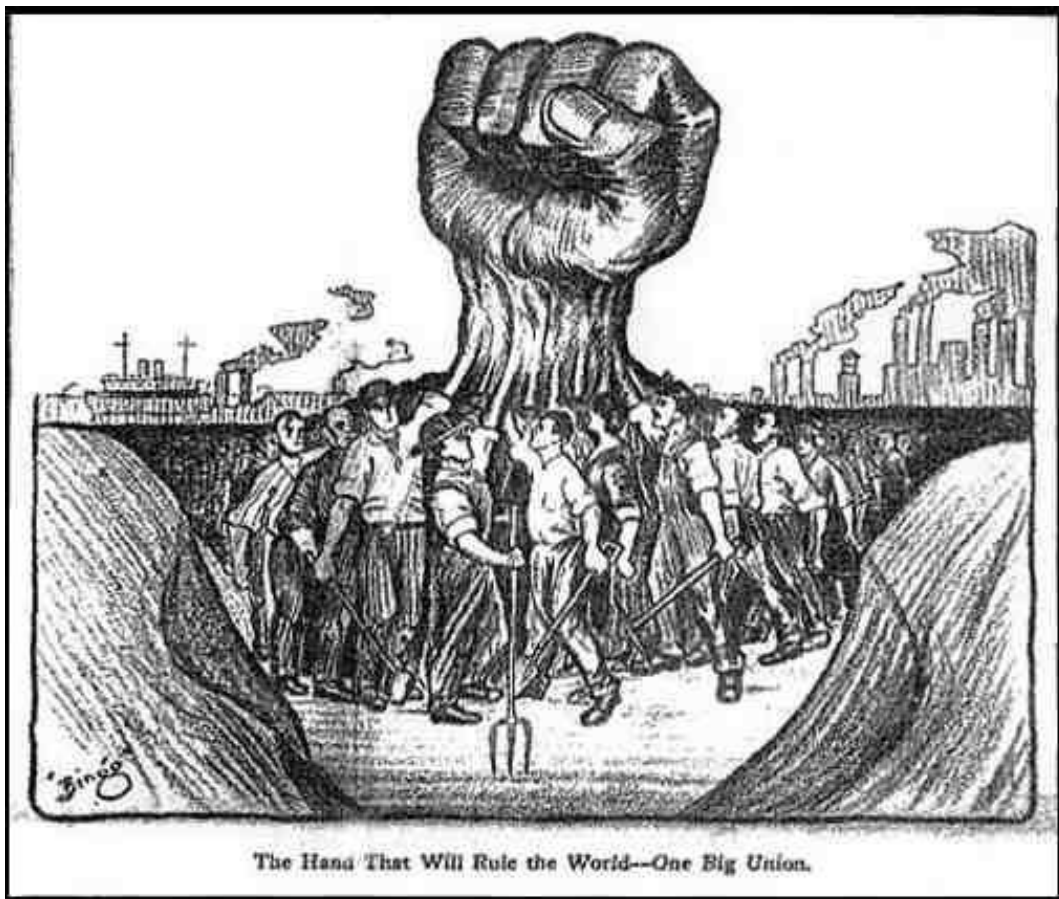
انسولین برای بیماران دیابتی همانند اکسیژن است برای عموم مردم و همچون سلاح است برای دیکتاتورها! در روزهای اخیر شاهد شادی رئیس جمهور به دلیل رفع تحریم تسلیحاتی بودیم. خرید و فروش اسلحه در جهان، البته تجارتی پر سود است، اما واضح است که این تجارت پرسود سویه‌های سیاسی قدرتمندی هم دارد. وقتی خرید



سامانه‌ی موشکی اس ۴۰۰ از روسیه توانست موجب بحران برای ترکیه شود، خرید سلاح از ایران به طریق اولی، تقریباً غیر ممکن است؛ حتی اگر سلاح‌های ساخت ایران با کیفیت باشند و موشک‌های پرتاب شده، در بیابان سقوط نکنند! در نتیجه تنها تاثیر این رفع تحریم، آزادی خرید سلاح توسط جمهوری اسلامی است.

به هر روی تامین دارو و وظیفه‌ی اکید و اولیه‌ی دولت است. حتی حکومت صدام در روزهای منتهی به سقوط با پذیرش «نفت در مقابل دارو و غذا»، این معادله‌ی جهانی را رعایت کرد که حکومت ولو در آستانه‌ی جنگ وظیفه‌ی تامین غذا و دارو را دارد.

در شرایطی که کرونا به دلیل بی‌تدبیری حاکمان عروج کرده است و بیمارستان‌ها ظرفیت پذیرش بیمار جدید ندارند، بروز بحران در بازار انسولین، جان میلیون‌ها انسان را با خطر مواجه کرده است. مسئول شرایط پیش آمده، مستقیماً دولتی است که از آزادی خرید سلاح شاد می‌شود، اما از مرگ شهروندان خم به ابرو نمی‌آورد.



به سرکوب سندیکاها‌ی کارگری پایان دهید!



## از ترس بیکار شدن کرونا را پنهان می‌کنند!

صادق کار



خبرگزاری ایسنا چند روز پیش گزارش تکان دهنده‌ای در مورد کارگرانی را منتشر کرد که مبتلا به کوید ۱۹ شده‌اند، ولی برای اینکه از کار اخراج شان نکنند و درآمد مختصرشان را از دست ندهند بیماری شان را پنهان می‌کنند! این خبرگزاری در گفتگو با یک کارشناس کار از زوایای مختلف به علل و عواقب این پدیده پرداخته است. "حمید نجف" کارشناسی که ایسنا نظر وی را در گزارش جویا شده می‌گوید "برخی از کارفرمایان در ماههای اخیر با کارگرانی که کرونا گرفته‌اند برخورد منصفانه‌ای نداشتند و به جای آنکه رسیدگی بیشتری نسبت به وضعیت آنها داشته باشند، کارگرانی که مبتلا شده‌اند را بعد از دو هفته قرنطینه در مقابل چشم دیگر همکاران تعدیل کرده یا در محیط‌های کاری تنزل داده‌اند این اتفاقات باعث شده تا کارگرانی هم که ناخواسته کرونا گرفته‌اند از ترس بیکار شدن و عدم تمدید قرارداد کار، بیماری خود را مخفی کنند تا به سرنوشت همکارانشان دچار نشوند در حالی که این رفتار و بی‌تدبیری پیامدهای ناگواری به دنبال دارد". این گفته به معنی این است که کارگر از نظر این عده از کارمایان حق مریض شدن ندارند و چنان که مریض شوند از کار باید اخراج شان کرد! دولت نیز به هم‌گونه می‌اندیشد، زیرا حق اخراج بی‌قید و شرط کارگر را به کارفرما قبلاً واگذار نموده است و از دادن حقوق دوران بیماری و حقوق بیکاری به کارگر مریض و اخراج شده طفره می‌رود! بهترین شاهد قضیه نیز اظهارات متعدد خود مسئولین ذیربط دولتی و انبوهی از گزارشاتی است که از شکوه و شکایت کارگران در روزنامه‌ها منتشر یا در اعتراضات کارگران فریاد زده می‌شود. دولت پول بیمه بیکاری پرداخت شده کارگران را بیشرمانه مانند راهزنان سرگردنه می‌دزد و به گفته عوامل خودشان صدها هزار کارگر بیکار شده کرونایی را با محروم کردن از حقوق بیکاری به حال خود رها می‌کند تا گرسنگی بکشند! کارگری که شاهد این قضایا است وقتی که می‌بیند اگر مریضی اش را گزارش کند، اخراج اش می‌کنند و از حقوق بیکاری هم خبری نیست، برآستی چه گزینه دیگری بین خطر از دست دادن جان و نان برایش باقی می‌ماند؟.



کارشناس کار در این گفتگو راه کارهای درستی هم مطرح نموده که به نظر موثر و مشکل گشا می رسند با این حال از آنجا که راهکار های او ناهمخوان با سیاستهای ضد انسانی دولت و حکومت هستند هرگز به عمل در نمی آیند. زیرا که دولت و حکومت برای حقوق و جان کارگر پیشیزی ارزش قائل نیستند و پیشبرد سیاست ارزان سازی و بی حقوقی نیروی کار را سرلوحه سیاستهای کارگر ستیزانه خود قرار داده اند. وقتی که کارگرانی را که در کارخانه های پرریسک بخاطر درخواست رعایت پرتکول های کرونا از کار اخراج می کنند چگونه ممکن است کارفرمایان چنین توصیه هایی را بپذیرند؟

کارفرما اگر می تواند چنین بیرحمانه و غیر انسانی با کارگری که برای وی تولید ثروت نموده رفتار کند برای این است که خیالش راحت است که با هیچ مواخذه ای از طرف دولت مواجه نمی شود. دولت هم قبلا با محروم کردن کارگران از حق تشکیل اتحادیه و از میان برداشتن قوانین کار کارگر را خلع سلاح کرده که نتوانند از حقوق و سلامت شان دفاع کنند.

این کارشناس در ادامه می افزاید: " بنابر این انتظار این است که حداقل در جامعه کارگری زبان حمایت را جایگزین تهدید کنیم و فراموش نکنیم کارگران در دوران کرونا تولید را زنده نگه داشته اند... کارگرانی که کرونا می گیرند باید مورد حمایت و مداوا قرار گیرند و نگران نباشند که از هیچ کجا حمایت نمی شوند و بیمه بیکاری به آنها تعلق نمی گیرد یا اگر بعد از قرنطینه به سرکار برگشتند فرد دیگری جایگزین آنها شده باشد."

همین چند جمله که از زبان یک کارشناس مطلع گفته می شود گویای بی پناه ماندن کارگرانی است که به دلیل ابتلای به کرونا بخاطر فقدان شرایط ایمنی و بهداشتی مناسب در اکثر واحدهای تولیدی و خدماتی علاوه بر تحمل مصیبت بیماری و خطر جانی درد بیکاری و بی نانی را هم باید بکشند و از حقوق بیکاری هم محروم بمانند. پنهان کردن کووید ۱۹ بخاطر از دست ندادن کار ریسکی ست از روی ناچاری که کارگر با انجام آن جان خود، خانواده و همکاران ش را در معرض خطر قرار می دهد. انتخابی است دردناک و ناخواسته بین نان و جان. . این

از این نوع گزارشات تا کنون کم منتشر نشده است ولی بدتر شدن همه روزه این مسائل حاکی از آن است که دولت مردان به هیچ کدام از آنها و راه حل هایی که کارشناسان مستقل داده و می دهند نه تنها وقعی نگذاشته و نمی گذارند بلکه خلاف غالب آنها رفتار می کنند. وضعیت فاجعه بار امروز کرونا که به یک فاجعه تمام عیار در کشور تبدیل گردیده و روزانه صدها نفر را به کام نیستی می فرستد، نتیجه همین وارونه عمل کردنهای حاکمان ابله و ستمگر است که مردم را با فجایعی که برای شان آفریده اند به حال خود رها نموده و برای چپاول ته مانده های سرمایه ها و درآمد کشور و ثروت اندوزی با هم مسابقه گذاشته اند. تصورش واقعا مشکل است که انسانی برای تامین نان خانواده اش ریسک از دست دادن جان اش را بپذیرد. ولی متاسفانه در ایران امروز با فجایعی که همه روزه در کوشه و کنار کشور میگذرد، خیلی چیزها که قبلا تصورشان در ذهن مردم نمی گنجید تبدیل به واقعیات روزمره شده اند و مردم به ناچار با همه دردناکی و غیر انسانی و ظالمانه بودن شان به آن تن می دهند. اینها سرزمان و بیماریهای لاعلاج نیستند که نتوان درمان شان کرد. اینها درمان دارند و امکان درمان شان هم وجود دارد اما زیاده خواهی و حرص و طمع بی حد و حصر عده قلیلی برای ثروت اندوزی به هر قیمتی و از هر راهی ولو به قیمت جان انسان هایی که آنها را به قدرت و ثروت رسانیده اند مانع این کار می شود. در واقع مردم درمانده ای که



حاضر می شوند تن به کارهایی بدهند که می دانند می تواند به گرفتن جان شان بیانجامد نتیجه شرایطی است که حکومت و دولت برای مردم رقم زده اند! با این همه این وضعیت غیر قابل تحمل و دوام مدتهاست از طرف اکثریت زحمتکشان به چالش کشیده می شود. وجود این همه اعتراض و اعتصاب در سراسر کشور که علیه این وضعیت و حکومت ستمگر و فاسد پدید آورنده آن جریان دارد، نشان می دهد که اکثریت مردم زحمتکش با وجود استیصال مالی راه مقاومت و مبارزه برای خلاصی از آن را در پیش گرفته اند گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و مردمی و ایجاد همبستگی و همپیوندی بین آنها تنها راه درست و موثری است که میتواند مردم و کشور ما را از این وضعیت فاجعه بار رها نماید.



**کار یا حقوق مکفی بیکاری برای بیکاران!**



## اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش پنجم

آدام بوث



امراض و شلنگان تاکسی در بوگوتا (کلمبیا) به اوپر: این قانون نیست

برآمد رانت خواران - ادامه

در اینجا لازم است یک تفاوت مهم دیگر بین اقتصاد "شراکتی" و اقتصاد اصیل سوسیالیستی مبتنی بر برنامه ریزی برای تولید پایه ای، مورد تأکید قرار گیرد. در حالی که اقتصاد "شراکتی" ممکن است بتواند تخصیص منابع را به نحو مؤثرتری سازمان دهد و ائتلاف منابع را در یک بخش معین کاهش دهد، نقش دموکراسی کارگران و تولید پایه ای برنامه ریزی شده در اقتصاد سوسیالیستی همانا هدایت منابع تخصیص یافته، که نهایتاً در مدت زمان کار اجتماعی منعکس می شود، در تمامی بخشهای اقتصاد است؛ بازتوزیع منابع بر پایه کمبود یا نیاز به این یا آن منبع در این یا آن بخش از اقتصاد به عنوان یک کل است.

در اقتصاد سرمایه داری، این همانا سیگنالهای قیمت و بازار اند که نقش مشابهی را برای ستمدھی به منابع و تخصیص آنها و مقدمتاً هم از طریق هدایت سرمایه گذارها به عهده دارند. با این حال در نظام سرمایه داری این امر بر پایه نیازها صورت نمی گیرد، بلکه به علت عدم انطباق عرضه و تقاضا برای کالاهای معین، و امکان دستیابی به ابرسود توسط سرمایه داران، از طریق پمپاژ سرمایه در این یا آن بخش اقتصاد رخ می دهد.

از این قرار در بخشهایی که اقتصاد "شراکتی" در آنها حضور مسلط دارد، ممکن است تخصیص منابع مؤثرتری صورت یابد. اما عملیات شرکتی که از نقش هدایت کننده در اقتصاد "شراکتی" برخوردارند (یعنی در واقع همان اقتصاد سرمایه داری) برای مواجهه و رسیدگی به نیازهای اجتماعی نیست، بلکه صرفاً متوجه تحویل سود است و در این میان تخصیص منابع بین بخشهای مختلف و در کل اقتصاد همچنان به دست آناشی بازار سپرده می شود:

مکانیسمی که به واقع بسیار نامؤثر است. از این روست که ما همچنان با واقعیت حضور تناقضات عمیقی در سراسر سیستم سرمایه داری مواجه ایم: بیکاری توده گیر در کنار مفرط کاری، بیخانمانی در کنار خانه های خالی، ناداری در کنار دارائیهای نامتصور و تل انبار پول در دستان صاحبان سرمایه و مشاغل بزرگ. بنابراین در نظام سرمایه داری، با فاصله بسیاری از تخصیص مؤثر منابع، ما با ائتلاف شدید منابع مواجه ایم؛ واقعیتی که از تناقضات درونی این نظام سرچشمه می گیرد.



این واقعیت که سرمایه گذاران سرمایه های سنگینی را در اقتصاد "شراکتی" - این اقتصاد رانتی خالص - به کار می اندازند، مشخصاً بازتاب دیگری از شیخ بزرگی از تولید اضافی (تولید مازاد) است که اقتصاد جهانی را به واقع دلهره آور کرده است: نابرابری در ابعاد بیسابقه در کنار سودهای سرشاری که در دستان فقط ۱ درصد اهالی زمین انباشته می شود. اما با توجه به سطح مفرط تولید اضافی که هنوز در مقیاس جهانی وجود دارد، آنچه ممکن است برای سرمایه گذاری در تولید واقعی عاید شود، ناچیز است. در این وضع تولید گسترش بورس بازی، رشد حبابهای دارائی و عدم ثبات فزاینده در بازارهای سهام بسیار طبیعی اند.

برآمد اقتصاد رانتی در قامت اقتصاد گسترش یابنده "شراکتی"، به شرحی که گذشت، مطلقاً منادی یک فاز دینامیک جدید از سرمایه داری نیست؛ بلکه درست عکس این مدعا را ترسیم می کند: بن بست که سرمایه داری برای تحول نیروهای تولید - صنعت، علم، تکنولوژی، و تکنیک - در آن گرفتار آمده است.

مخلص کلام این که اقتصاد به اصطلاح شراکتی، پس دور از نشانه ای از فرارسیدن یک دوران جدیدی از همکاری، برابری، و مالکیت مشترک، به سادگی همان سرمایه داری انگلی با قدری آرایش و زیباسازی آن است. سیستم فرسوده سرمایه داری، که دیگر قادر به بسط نیروهای مولد و سوق جامعه به جلو نیست، کوشیده است زشت ترین و دفع کننده ترین خطوط سیمایش را بپوشاند و آن را شریف جلوه دهد.

پایان فصل اول



**خصوصی سازی را متوقف کنید!**





مهاجرین، سازماندهی و هژمونی گزینشی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکنونگ بخش ۵۱ و پایانی

دنيس آرنولد

ترجمه؛ گودرز

### مناطق ویژه اقتصادی کامبوج

اقتصاد دانان تاکید می کنند که بهبود زیرساختهای نرم و سخت و بهره وری لجستیک در گنجایش کامبوج برای بکارگیری جاذبه کشور از اهرم کارگر ارزان در مناطق آزاد مرزی اهمیت ویژه دارد و در راس این تلاش ها دیده می شود. مشخصاً در بحث اقتصاد مسئله ارتقاء سطح در اسناد بانک آسیایی توسعه ADB غایب نیست، برنامه ریزی جغرافیایی حول محور تثبیت اشتغال در بخش تولیدات با ارزش افزوده نازل در مناطق مرزی متمرکز شده است، تارفت و آمد نیروی کار و انتقال محصولات تولید شده را تسهیل نماید. با این وجود با افزایش دستمزد ها در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ مزیت کامبوج نسبت به ویتنام عمیقاً کاهش یافت و کاملاً امکان دارد که تمام ناحیه فوق در دور بعدی بازنگری اولویتها بالکل حذف شود. یک نماینده منطقه آزاد مانهاتن در مصاحبه نوامبر ۲۰۱۴ می گوید: "صادقانه باید بگویم، سرمایه گذاران به خاطر دستمزد ارزان به کامبوج می آیند، برای آن که ملموس باشد این تفاوت دستمزد ها باید حفظ شود، وگرنه دلیلی وجود ندارد که آنها در کامبوج سرمایه گذاری کنند". با تأکید بر این دیدگاه هونگ سور سخنگوی وزارت کار می پرسد: "اگر بخواهیم کشورمان رشد کند، به سرمایه گذاران خارجی نیاز داریم و سیاست هایی که آن ها را جذب کند. به من بگویید برای جلب سرمایه گذاران بی واسطه خارجی، به جز دستمزد کم چه چیز دیگری می توانیم ارائه دهیم؟"

در واقع بقای صنعت پوشاک در کامبوج مدتهاست که زیر سؤال رفته و کامبوج از امکان ارتقاء به زنجیره تولیدات پر ارزش و یا صنایع با ارزش الکترونیک و یا مونتاژ اتوموبیل هم بسیار فاصله پیدا کرده است. در نتیجه کامبوج در چالش برای دستیابی به چرخه پایین اقتصاد جهانی مانند مرکز تولید صنعتی باوت نیز دشواری های زیاد دارد.

هیچ نشانه ای دیده نمی شود که وعده اشتغال با دستمزد بالا همراه با تأمین اجتماعی در نتیجه توسعه مناطق آزاد صنعتی-تجاری به حقیقت بپیوندد. بانک توسعه آسیا رشد مناطق آزاد را به عنوان پیش زمینه ضرور برای پاسخگویی به دلنگرانی های اقتصادی-اجتماعی می داند، اما جای زیادی برای مانور درباره نیازی که باعث نگرانی کارگران شده است وجود ندارد، چرا که مناطق آزاد خودشان در شیوع رژیم کاری پروکاریا مقصر هستند. هژمونی گزینشی دولت نیز خود مسبب ایجاد این رژیم پروکاریایی ست، چراکه رژیم اشتغال در مناطق آزاد کامبوج بخشی از سیاست کاریدی، و اهداف مورد توجه آنان نیز نمی تواند به سادگی مهاجرین میانماری در تایلند را به حاشیه براند. به طور خلاصه رشد مناطق آزاد بر فقر در اقشار کارگری وابسته است و بالطبع خود نیز به تشدید و توسعه فقر در این اقشار می افزاید. فرصت ها برای غلبه بر این شرایط هم بسیار محدود است. هژمونی گزینشی در کامبوج به علت نیاز سرمایه گذاران به کارگران ارزان از یک سو و خواست کارگران برای تأمین اجتماعی و دریافت دستمزد عادلانه تحت فشار قرار دارد.



## جمع‌بندی

مکونگ و جنوب شرق آسیا از یک منطقه ژئوپولیتیک که با منافع قدرت های نظامی و جنگ های طولانی مدت تعریف می شد به یک هویت اقتصادی منطقه ای گذر کرده است که مناطق آزاد صنعتی و تجاری را در بافت اقتصاد جهانی شده جاسازی کرده است و کل منطقه را به بازار مشترک کارگران آسیا تبدیل نموده است. این منطق توسعه و رشد تحت نظارت بانک توسعه آسیا ADB نشان دهنده رژیم توده های کارگری محلی است که الگوهای توسعه اقتصادی و مدیریت اجرائی منطقه ای در آن به مثابه پارادایم غالب برای فهمیدن گذار معاصر منطقه ای نقشی تعیین کننده دارد. در مدل های جریان اصلی توسعه، پرسش تأمین اجتماعی در رژیم رشد وارد شده اما رژیم کار محلی غیرثابت وابسته به عامل بازتولید فقر در قشر کار هستند. مسئله اجتماعی در مکونگ و جنوب شرق آسیا با مدل رشد کار با ارزش افزوده نازل عمده و بطور گزینشی مناطق، توده های جمعیتی و افشار اقتصادی را برای برنامه ریزی توسعه هدف می گیرند.

در مورد کامبوج آشکار است که نیروی کار متحرک اشتغال یافته در نواحی با فقر زمینی روبرو است که به مقدار زیادی نتیجه نهایی کالاسازی روند کشاورزی و زراعی تحت توصیه های بانک توسعه و دولت های حاکم است. اشتغال رسمی در مناطق آزاد نیز در ریشه کن کردن فقر و تهیدستی موفق نیست، بلکه به محل نزاع و اعتراضات و اعتصابات تبدیل شده که به خشونت دولتی می انجامد. این کارگران از طریق اتصال غیررسمی با جنبش های سراسری کارگری در اعتصاب های خودانگیخته و عموماً دست از کار کشیدن های ناگهانی پاسخ می دهند. در مقابل دولت نیز با امتیازاتی از قبیل افزایش دستمزد و برخی گزینه های تأمین اجتماعی به اعتراضات پاسخ داده است. این سیاست ها پیروزی های جزئی برای جنبش کار را نشان می دهند، اما مواضع کارگران شاغل در صنایع تولید پوشاک و کفش در شهرها به سوی مخالفت فاحش سیاسی تبدیل شده و تنها به مسائل مربوط به تأمین اجتماعی کارگران محدود نمی ماند. بالنتیجه امکان دسترسی کارگران شاغل در مناطق مرزی به برنامه های محدود تأمین اجتماعی کارگران ملی در کامبوج که در پنوم پن و مناطق شهری وجود دارد باز هم بیشتر کاهش یافته است.

در بحث تایلند مهاجرین و پناهندگان میانماری در مای سوت برای مدتهای مدید هدف تبعیض های نژادی متمایز با سیاست های یدی در کل کشور نیز بوده است، که امکان تقاضا از کارفرما و دولت را بیشتر به هرز می دهد. تحرک کارگران و در نتیجه کمبود نیروی کار پروژه مناطق آزاد بر اساس رشد مدل مرزی را در اینجا با مشکل روبرو ساخته است و نفرات میلیونی مهاجرین و پناهندگان مسائل امنیتی را به نگرانی بیشتری در تایلند مبدل می سازد. دولت تایلند با یک سیستم ثبت نام کارگران مهاجر که امتیازات تأمین اجتماعی را به ابزاری برای کنترل جمعیت تبدیل ساخته، سعی کرده به نگرانی های امنیتی پاسخ گوید. مجدداً باید اذعان داشت که این سیاست ها به مسئله بهبود شرایط زندگی و نگرانی های بازتولید اجتماعی پاسخ نمی دهند، بلکه بیشتر دست درازی دولت به امور اقتصادی و زنجیره کنترل دولتی را گسترش می دهند. هژمونی گزینشی نگرانی سرمایه گذار را در نظر می گیرد و دلنگرانی عمومی برای قانون مندی مهاجران را در سر دارد، و استراتژی بازتولید اجتماعی مهاجرین میانماری در تایلند به صورت یک آرایش مبهم فرامرزی باقی مانده است. این قوانین گستره توان بوروکراتیک دولت و تحکیم جاسازی جمعیت در چنبره شبکه های امنیتی آن را افزایش داده است، که اقتصاد متزلزل تایلند را که قویاً بر نیروی کار مهاجرین وابسته است، جان تازه ای ببخشد.



برای درک مکانیزم رژیم های مرزی به شمول کار غیررسمی در ایستگاه های محلی و زیرمنطقه های در حال توسعه، نقش اول مناطق آزاد در آمال و آرزوهای اقتصادی جلوه داده می شود. مناطق آزاد کلید انتقال غیررسمی فقر هستند، اما بانک توسعه آسیایی و مسئولین دولتی مدعی هستند که مناطق آزاد از اجزاء ضروری این برنامه ریزی فرامرزی برای توسعه اند. این گفتمان از دیدن روندهایی که مناطق آزاد به بازتولید ساختار فقر و تهیدستی از طریق بازار کار دامن می زند چشم می پوشد. به عبارت دیگر مسئله اجتماعی لزوماً وسیله برنامه ریزی جریان اصلی به حاشیه رانده نمی شود، بلکه از طریق منطق رشد درک شده و تحقق مزایای گسترده آن یعنی اشتغال کامل در صنایع تولیدی با دستمزد بالا به آینده ای به ظاهر دست نیافتنی محول می گردد. نتیجه آن که روند گزینشی در بخش های ویژه تنش های بیشتر در اندازه های بزرگتر را با انتقال اعتراضات و اعتصابات از مرز به مناطق درون مرزی منتقل می سازد.



**کارگر زندانی آزاد باید گردد!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## اعتصاب کارگران پتروشیمی در ماهشهر

کارگران پتروشیمی رازی واقع در سایت پنج منطقه ویژه اقتصادیدر ۲۳ مهرماه در اعتراض به پرداخت نشدن مزایای شغلی شان و خلف وعده کارفرما در این خصوص اعتصاب و در مقابل دفتر شرکت تجمع نمودند. کارگران معترض که به شدت از تعلل کارفرما در پرداخت مطالبات شغلی شان و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل به خشم آمده بودند برای ساعاتی مانع خروج مدیران شرکت از ساختمان اداری شدند.

به گزارش " خبرگزاری عصرجنوب"، شرکت پتروشیمی رازی در بهمن سال ۱۳۸۶ به کنسرسیومی متشکل از شرکت سهامی گوبرفابریقالاری ترک آمونیم (گوبره تاش)، شرکت انرژی گاز آسیا و شرکت شقایق سازه رنگین واگذار شد. ظاهرا پس از دخالت نماینده دادستان در این اعتصاب و شکایت کارگران از "احمدی دشتی" مدیرعامل شرکت و دادن قول رسیدگی به خواسته های کارگران این اعتصاب پایان یافته است. گفتنی است که اجرای طبقه بندی مشاغل و پرداخت مزایای شغلی جزء مطالبات اعتصاب منطقه ای کارگران پتروشیمی که مدتی پیش برگزار شد بودند که کارفرمایان با انجام آنها موافقت کرده بودند. با این حال از عملی کردن شان طفره می رفتند. یکی از علل طفره رفتن های پیاپی کارفرمایان از اجرای تعهدات قانونی شان به کارگران نداشتن تشکل است. اگر کارگران اتحادیه و سندیکا داشتند کارفرمایان مجبور بودند با آنها قرارداد دسته جمعی منعقد کنند. در آن صورت طفره رفتن برای کارفرما بسیار دشوارتر می شد. اعتصابات خود بخودی درست به دلیل نبود تشکل هدایتگر است که کمتر موفق می شوند به اهداف شان برسند و دست آوردهای شان را از تعرض دوباره کارفرمایان محفوظ نگاه دارند!



### اعتصاب کارگران پالایشگاه پارسیان "پتروپلاس"

کارگران پالایشگاه گاز پارسیان از ۲۵ مهر اعتصاب کردند. این اعتصاب با گذشت ۴ روز از آن همچنان ادامه دارد.

خواسته های کارگران کماکان همان خواسته های اعتصاب یک ماهه کارگران شرکتهای پیمانکاری است که از یازدهم مرداد شروع شد. کارفرمایان به خیال اینکه اعتصاب یک ماهه پایان یافته و حالا می توانند زیر توافقات خود با کارگران بزنند، مانند موارد قبلی از انجام توافقات شان با اعتصابیون طفره می روند. توسل دوباره کارگران به اعتصاب اما نشان می دهد که کارگران این بار مصمم به ادامه مبارزه تا رسیدن به مطالبات شان هستند.

### تجمع عدهای از کارگران قراردادی صنعت نفت مقابل مجلس

در ۲۹ مهر شماری از کارگران قراردادی موقت صنعت نفت مقابل مجلس در اعتراض به شرایط شغلی، استخدام قراردادی موقت و تبعیضات شغلی که بین آنها و کارگران رسمی اعمال می کنند تجمع کردند. این عده در واقع خواسته های ۳۴ هزار کارگر قرار داد موقت را نمایندگی می کنند. کارگران که از پیگیری مطالبات بر حق شان در وزارت کار و دیگر دستگاه های دولتی نا امید شده اند، اینک برای رسیدگی به مطالبات شان به فکر فشار آوردن به مجلس مدعی عدالتخواهی افتاده اند تا ادعای عدالتخواهی شان را در عمل ببینند.

### ۲ هزار کارگر شاغل در عسلویه در نامه ای خواستار اجرای مطالبات شن شدند

این کارگران در نامه خودشان ضمن دعوت از کارگران به اتحاد برای خنثی نمودن اثرات اقدامات تفرقه افکنانه کارفرمایان گفته اند که برای گرفتن مطالبات شان مبارزه خواهند کرد. کارگران پیمانی عسلویه در نامه خود خواستار افزایش دستمزد و پرداخت به موقع آن، اجرای پروتکل های بهداشتی، تامین امنیت شغلی، استخدام رسمی توسط شرکت نفت شده اند. کارگران در پایان نامه شان نوشته اند: " قاطعانه اعلام میکنیم که ادامه این وضعیت دیگر برایمان ممکن نیست و با رسانه ای کردن اعتراض و خواستههایمان هشدار میدهیم که اگر به این مطالبات پاسخ داده نشود در اشکال دیگری اعتراضمان را ادامه خواهیم داد."

### اعتصاب کارگران پتروشیمی لامرد شیراز

در ۲۶ مهر ماه کارگران پتروشیمی لامرد در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان و عدم پرداخت به موقع و منظم دستمزد شان اعتصاب و مبادرت به تظاهرات نمودند.



### اعتراض کارگران اقماری گاز در پارس جنوبی

تخلفات کارفرمایان و دولت از قوانین محدود به یک یا دو مورد نیست. آنها در هر کجا که بتوانند قوانین موجود و حقوق کارگران را پایمال می کنند.

در ۲۳ مهر همین مسئله موجب اعتراض دوباره کارگران اقماری مجتمع گازی پارس جنوبی که به حق نگران سلامتی خود در شرایط کرونایی هستند شد. کارگران که شاهد افزایش ابتلای همکاران خود هستند نسبت به رعایت نشدن مقررات مربوط به شرایط کرونایی و اجرای سلیقه‌ای آن دوبار مجبور به اعتراض شدند. خواست کارگران معترض اجرای ۱۴ روز استراحت در مقابل ۱۴ روز کار که کارفرما آن را رعایت نمی کند شدند. گفتنی است که طرح دو هفته کار و دو هفته استراحت به دستور ستاد مبارزه با کرونا و رییس منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی به منظور کاستن از شیوع کرونا صادر شده است!

### اعتراض کارگران سازمان حمل و نقل در یاسوج

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران روزیکشنبه ۲۷ مهر، کارگران سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری یاسوج بار دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان اعتراض و خواهان پرداخت طلب مزدی ۹ ماه گذشته شان و پرداخت منظم و به موقع دستمزدهای شان شدند. سایت اتحادیه آزاد کارگران به نقل از کارگران پس از اشاره به مشکلات متعددی که پرداخت نشدن دستمزدها برای کارگران بوجود آورده اعتراض این کارگران را دامنه دار و گسترده خوانده است.

### ادامه اعتراضات کارگران شهرداریها

اعتراضات کارگران شهرداری ها در نقاط مختلف کشور بخاطر پرداخت نشدن طلب های مزدی همچنان ادامه دارند و هیچ مقام دولتی برای رسیدگی به وضعیت دردناک آنها اقدامی نکرده و نمی کند.

در این هفته کارگران شهرداری حمیدیه که بنا به گزارش اینلنا ۱۵ ماه است که طلب مزدی شان پرداخت نشده برای چندمین بار مجبور به تجمع شدند. این بار نیز این تجمع بدون نتیجه مشخصی پایان یافت. حال که چنین است کارگران شهرداری ها باید طرق دیگری از اعتراض را پیدا کند که موثر واقع شوند. طرقی مانند جمع نکردن آشغالها، اشغال ادارات شهرداری و استانداری به نظر می رسد راه های موثرتری باشند.

### اعتصاب و تجمع کارکنان شرکتی مخابرات فارس

کارکنان شرکتی مخابرات فارس در ۳۰ مهر در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی، دستمزدهای ناچیز، تبعیضات شغلی و سپردن کارها به شرکت های پیمانکار اعتصاب و در مقابل ساختمان ستاد مخابرات جهت و ادار نمودن مسئولین شرکت به برآورده نمودن مطالبات شان تجمع کردند. کارکنان اعتصابی می گویند شرکت های



پیمانکار دستمزدهای کمی به آنها می دهند و حقوق قانونی آنها را زیر پا میگذارند. در بخشی از بیانیه اعتصابیون که خیرگزاری ایلنا آن را منتشر نموده علت اعتصاب بر شمرده شده و آمده: «مدیران ارشد مخابرات که می‌بایست در قبال سرنوشت همکاران بخش خصوصی در جهت ایجاد رفاه و امنیت شغلی و تامین خواسته‌های بحق آنان اهتمام ورزند، اکنون یک بار دیگر پا را فراتر گذاشته، جداسازی این پرسنل از یکدیگر را با حجمی نمودن قراردادها و قرارداد با پیمانکاران محلی، در دستور کار قرار داده اند. این اقدامات با توجه به مشکلات پیش روی شرکت‌های حجمی که از آن جمله کسر حداقل ۵۰۰ هزار تومان از حقوق ناچیز فعلی، دیرکرد پرداخت حقوق و دستمزد بعضاً تا ۶ ماه، کم نمودن پرسنل در حال کار و نهایتاً بازگشت به وضع اسفبار ۱۰ سال پیش می‌باشد، از هم پاشیده شدن بنیان خانواده پرسنل بخش خصوصی را مورد هدف قرار داده است.»

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

**ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**



**دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان**

**کرونا را تامین کند!**